

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۷

فصل نامه علمی - تخصصی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام

مصطفی ورمزیار*

چکیده

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، از جمله مباحث مهدویت به شمار می رود. اظهار نظر درباره تعیین مدت حکومت آن حضرت، پس از بررسی سندی و دلالتی روایات فراوان و متعارض این باب، امکان پذیر است. با توجه به احادیث فریقین، می توان مدت حکومتی بین هفت تا ۳۰۹ سال برای آن حضرت تصور کرد. در روایات اهل سنت، مدتی کمتر از ده سال مورد تأکید است، برخلاف منابع حدیثی شیعه که در آن ها مدت بالای ده سال پررنگ تر بیان شده و مواردی از روایات شیعی که به هفت سال اشاره کرده اند، تفسیری متفاوت از لفظ سنة (سال) ارائه می دهند و هر سال را معادل ده سال عادی یا بیشتر می دانند.

مباحثی از قبیل، ترجیح سندی و دلالتی روایات، وجه جمع منتخب بین روایات متعارض و چگونگی طولانی شدن سال به مقدار ده برابر، از نکات مهم این تحقیق خواهد بود.

این نوشتار، پس از دسته بندی و بررسی سندی و دلالتی روایات و تحلیل نظریه های مطرح شده درباره وجه جمع بین روایات متعارض، نتیجه می گیرد که مدت حکومت هر قدر هم کم باشد به اندازه تشکیل حکومت و استقرار آن خواهد بود و پس از ثبات حکومت مهدوی، حکومت الهی صالحان بر جامعه تا قیامت ادامه خواهد داشت و وعده الهی - که تداوم حکومت الهی تا قیامت است - محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی

مهدویت، مدت حکومت امام زمان علیه السلام، مراحل حکومت امام زمان علیه السلام، مدت حیات امام زمان علیه السلام، طولانی شدن سال های ظهور، رجعت.

* کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن و پژوهشگر مباحث مهدویت (mova277@yahoo.com).

مقدمه

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام چند سال خواهد بود؟
برای پاسخ به این پرسش، راهی جز مراجعه به روایات معصومین علیهم السلام نیست و این روایات، زیاد، متنوع و متناقضند.

روایات هفت سال - به ویژه در میان محدثان اهل سنت - شهرتی نسبی دارند (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۵). با توجه به این شهرت، این پرسش مطرح می‌شود که اگر حکومت امام زمان علیه السلام این اندازه کوتاه و زودگذر باشد، هفتاد سال غیبت صغرا، دوازده قرن غیبت کبرا، این همه زمینه‌سازی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و نیز دستورات فراوان برای ساختن جامعه و مهیا کردن آن برای ورود به دوران ظهور چه توجیهی دارد؟ آیا برای یک حکومت هفت‌ساله - هرچند ایده‌آل - این همه انتظار، تلاش و هجران لازم است؟

در این نوشتار با بررسی روایات و جرح و تعدیل آن‌ها و بیان راه‌حل‌های ارائه شده و جمع‌بندی‌شان، پاسخی شایسته به این پرسش خواهیم داد؛ ان شاء الله.

پیش از بررسی متن و اسناد روایات، توجه به دو نکته ضروری است:

نکته نخست. با توجه به دیدگاه خاص حدیثی اهل سنت،^۱ در بین روایات آنان مواردی به چشم می‌خورد که کلام معصوم علیه السلام نیست و بدون استناد به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدگاهی را از صحابه نقل کرده‌اند و با توجه به این‌که:

۱. در تفکر شیعه، کلام غیرمعصوم به عنوان روایت تلقی نمی‌شود؛

۲. در میان اهل سنت نیز دیدگاه حجیت کلام صحابی مخالفانی دارد؛

۳. بسیاری از طرفداران حجیت کلام صحابی، آن را مقید به مخالف نبودن با کلام دیگر صحابه کرده‌اند (نووی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۲۰؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۱۳ عن الائمة الحنفية) و در این بحث، کلام نقل شده از صحابه، هم با احادیث نبوی مخالفتی صریح دارد و هم با کلام دیگر صحابه ناسازگار است؛

۱. بنابر دیدگاه اهل سنت، به روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، خبر می‌گویند و به مواردی که از صحابه بدون استناد به پیامبر نقل می‌کنند، لفظ اثر اطلاق می‌شود. در حجیت اثر و قول صحابی بین آنان اختلاف است؛ گروهی اقوال صحابه را مانند روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله حجت می‌دانند (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۲۹۶، عن الشيخين المسلم و البخاری؛ غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸ نقلاً عن قوم) و عده‌ای نیز این کلام را نپذیرفته و آرای صحابه و تابعین را حجت نمی‌دانند (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸؛ رازی، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۲۹).

در این تحقیق به چنین مواردی بهایی داده نخواهد شد (برای مثال، نک: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۴۵، ۲۴۶؛ مروزى، ۱۴۱۴: ۲۳۲ و ۲۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۱، ۲۶۳؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۱۵۹؛ متقى هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۳؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۳۹).

نکته دوم. در منابع اهل سنت برخی موارد با لفظ «رؤی» یا «فی رواية» یا الفاظ مشابه، بدون استناد صریح به پیامبر ﷺ بیان شده است. با توجه به این که گروهی از اهل سنت با سخن صحابه و تابعین برخورد روایی می کنند، نمی توان مطمئن بود که مراد آنان از تعبیر «رؤی» یا «فی رواية» نقل کلام پیامبر ﷺ باشد؛ بر همین اساس نمی توان این موارد را نیز در شمار روایات به شمار آورد (برای مثال، نک: ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۷، ح ۲۸۷؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۳۳، ح ۹۱۰ عن الجمع بین الصحاح؛ عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۲۲، ۳۵۶).

بررسی متن و اسناد روایات

روایات مدت حکومت امام زمان ﷺ به دو دسته کلی تقسیم می شود:
 الف) روایاتی که به صورت مبهم وارد شده و مدت خاصی را ذکر نکرده اند؛
 ب) روایاتی که حکومت آن حضرت را دارای مدتی معین دانسته اند.

روایات مبهم

روایت یکم

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ لَهُ: يَا عَمُّ! يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً... ثُمَّ يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ ﷺ مِنْ وَلَدِي يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَيَكُثُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۲)

از عباس بن عبدالمطلب از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: ای عمو، از فرزندان من دوازده خلیفه به حکومت می رسند... سپس مهدی از فرزندان من خروج می کند. خداوند کار او را در یک شب درست می کند. او زمین را مملو از عدالت می کند، همان طور که از ظلم پر شده بود و به هر مقدار که خدا بخواهد در زمین باقی خواهد ماند.

تعبیر به «یمکث فی الارض ما شاء الله» در این روایت، یعنی به هر مقدار که خداوند بخواهد روی زمین زندگی می کند و مدت خاصی را برای حکومت حضرت معین نکرده است.

روایت دوم

عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل بن عمر قال: سألت سيدي الصادق عليه السلام... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ! فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ؟ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ...: «وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود، ۱۰۸) وَالْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيْ عَطَاءٌ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَهُوَ لَا يَنْفَدُ وَحُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَأَمْرٌ لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَمَشِئَتِهِ وَإِرَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَمَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۳۴، باب ۲۵، ح ۱)

مفضل از امام صادق عليه السلام می پرسد: مدت حکومت قائم عليه السلام چه مقدار است؟ امام صادق عليه السلام با استناد به آیه ﴿إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ می فرماید: «والمجدود» یعنی مقطوع؛ یعنی عطایی که از ایشان قطع نمی شود، بلکه دائم و ابدی است و حکومتی است که زمانش تمام نمی شود و حکمی است که قطع نمی شود و امری است که باطل نمی شود مگر به اختیار خدا و خواست و اراده او، و این را غیر از خداوند نمی داند و بعد از آن قیامت و وقایعی است که خداوند در کتابش توصیف کرده است.

امام صادق عليه السلام در این روایت، مدت حکومت امام زمان عليه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را نیز بیان می فرماید.

روایت سوم

قال رسول الله ﷺ: حكاية عن الله في معراجِه ولانصرته بجندی ولامدته بملائكتي حتى يعلن دعوتي ويجمع الخلق على توحيدى ثم لاديمن ملكه ولاداولن الايام بين أوليائي إلى يوم القيامة؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۶؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، ۷)

پیامبرگرامی اسلام ﷺ در روایت معراج، به نقل از خداوند تبارک و تعالی فرمود: حتماً او (امام مهدی عليه السلام) را با لشکریانم یاری می دهم و با ملائکه ام به او کمک می رسانم تا دعوت مرا علنی کند و خلق را بر یکتاپرستی و توحید من جمع کند و سپس به ملک او دوام می دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد.

در این روایت نه تنها ادامه دار بودن حکومت امام مهدی عليه السلام بیان شده، بلکه به بقای آن در بین اولیاء الله تا قیامت نیز تصریح می کند، اما به زمان معینی اشاره نشده است. اگرچه این دسته از روایات در نتیجه گیری بحث، مورد استفاده قرار می گیرند، اما به دلیل این که مدت خاصی را بیان نمی فرمایند، در این بخش، از بحث ما خارج هستند.

روایات بیان کننده مدت معین

این گروه از روایات نیز به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. روایاتی که مقدار کمتر از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان کرده اند؛
 ۲. روایاتی که زمانی بیش از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان فرموده اند.
- روایات دسته اول عمده در منابع اهل سنت یافت می شود، البته در منابع شیعه نیز اخباری وجود دارد که بیان می کنند حکومت آن حضرت هفت سال است؛ اما توضیح می دهند که هر سال معادل ده یا بیست سال به طول می انجامد و چون این روایات در حقیقت، مدتی بیشتر از ده سال را برای حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه رقم می زنند، در دسته دوم قرار می گیرند.
- روایات دسته دوم عمده از منابع شیعی گزارش شده اند (خلیل حبه، ۱۴۲۹: ۵۸۲؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ۱۳، ۱۴۵).
- در هر دو دسته از روایات، یا عددی معین را برای مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ذکر کرده اند، یا بین چند عدد مردّد گذاشته اند.

روایات بیان کننده مدت زیر ده سال

الف) روایات عدد معین

۱. هفت سال

روایت اول

عن ابی السعید الخدری أنّ النّبی ص قال: لا تقوم الساعة حتی یملك رجل من اهل بیتی اجلی اقنی یملاً الارض عدلاً كما ملئت قبله ظلماً یكون سبع سنین؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹ و ۴۸۰؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۱۷؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷؛ موصلی، بی تا: ج ۲، ۳۶۷، ح ۱۱۲۸ با اندکی تفاوت؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۳۸ با اندکی تفاوت)

ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ص نقل می کند: قیامت برپا نمی شود تا این که مردی از اهل بیت من به حکومت برسد. [او] چهره ای گشاده و بینی کشیده دارد؛ زمین را مملو از عدالت می کند، همان طور که از ظلم پر شده بود [و] هفت سال این گونه خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می گوید: «إسناده حسن» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۲۹۷-۳۰۱) و حدیث را معتبر می داند؛ اما در جای دیگر مقداری از متن آن را در زمره احادیث بی سند ذکر کرده (همو، ۱۴۲۰ ب: ۳۷۵) و از طریق شیعه نیز سندش

ضعیف است.^۱

اما از نظر دلالت، مرجع ضمیر در لفظ «یکون» - چه به ملک مستفاد از یملک برگردد و چه به رجل - به مدت حاکمیت امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. از همین راوی (ابی سعید خدری) چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُهْدِيُّ ﷺ مَتَى أَجَلِي الْجَهَنَّمَةُ أَقْتَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۲۲؛ صنعانی، بی تا؛ ج ۱۱، ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹؛ ابوداود، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰، ح ۴۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹، ح ۲ - ۶) ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می کند: مهدی ﷺ از من است؛ چهره‌ای گشاده و بینی کشیده دارد. [او] زمین را مملو از قسط و عدالت می کند، همان طور که از جور و ظلم پر شده بود [و] هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبد العظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می گوید: «الحديث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۶۶-۱۷۵) و این حدیث را معتبر می داند؛ اما سند این روایت از طریق شیعه ضعیف است.^۲

اما از جهت دلالت واضح است و در حکومت هفت ساله آن حضرت صراحت دارد.

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: يخرج رجل من امتي يعمل بسنتي ينزل الله البركة من السماء وتخرج له الارض بركتها يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً يعمل سبع سنين على هذه الامة وينزل بيت المقدس؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۶۳، ۵۸۴؛

۱. این روایت در کتاب *دلائل الامامة* در دو جا و با دو سند مختلف نقل شده است:

سند اول: و اخبرني ابوالحسن محمد بن هارون بن موسى قال: حدثنا ابي (توثيق نشده) قال: حدثنا ابو علي الحسين بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثنا ابن ابي حية قال: حدثنا اسحاق بن ابي اسرائيل قال: حدثنا جرير عن مطر الوراق (مطر بن طهمان الوراق ابو رجاء خراساني السلمي - توثيق نشده) قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدري. (سند ضعیف است - طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹)

سند دوم: و اخبرني ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله بن خالد الكاتب (توثيق نشده) قال: اخبرنا ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال (توثيق نشده) قال: حدثني محمد بن اسكاب والحسن بن منصور بن الجصاص (هرچند در این جا سند دوتا می شود، ولی چون راوی از هر دو مجهول است، باز تفاوتی در ضعف سند نمی کند) قال: حدثنا ابو النصر قال: حدثنا شيبان عن مطر الوراق عن ابي الصديق عن ابي سعيد. (همو: ۴۸۰)

۲. سند *دلائل الامامة*: و اخبرني ابوالحسن محمد بن هارون بن موسى عن ابيه (توثيق نشده) قال: حدثنا ابو علي حسين بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثنا جرير عن مطر الوراق قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدري ان النبي ﷺ قال: ... [با کمی تفاوت در متن]. (طبری، ۱۴۱۳: ۴۹۶)

طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۵)

از ابی سعید خدری از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از امت من خروج می‌کند، به سنت من عمل خواهد کرد، خداوند برکت را از آسمان نازل می‌کند و زمین برای او برکاتش را بیرون می‌ریزد؛ زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان طور که از جور پر شده بود؛ [او] هفت سال بر این امت حکومت می‌کند و در بیت المقدس فرود خواهد آمد.

عبد العظیم بستوی این روایت را با اندکی تفاوت در متن ذکر کرده و برای سند آن سه طریق نقل می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که سند روایت ضعیف است (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۵۹-۲۵۶). از نظر دلالت نیز اگر چه در این روایت به نام امام زمان ﷺ تصریح نشده، اما بی‌گمان، مقصود از تعبیر «رجل» با توجه به ویژگی‌های بیان شده و با کمک روایات دیگر، امام زمان ﷺ است و تعبیر به «یعمل» نیز در این روایت به نوعی اشاره به حکومت دارد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يقوم في آخر الزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه اجلى الجبين اقنى الانف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً و يملك كذا و كذا سبع سنين؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۳۸، ح ۵۵۳)

از ابی سعید خدری از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از عترت من در آخر الزمان خروج می‌کند؛ جوان، خوش صورت دارای پیشانی گشاده و بینی کشیده است؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود و این گونه - اشاره با دست - هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبد العظیم بستوی این روایت را با کمی تفاوت در متن حدیث نقل کرده و درباره سند می‌گوید: «ضعیف جداً» (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۷۶-۲۷۷). و اما از نظر دلالت، لفظ «کذا» در این روایت دو معنا می‌تواند داشته باشد؛ یکی این که حکومت حضرت با برقراری قسط و عدل، هفت سال به طول می‌انجامد؛ دوم این که لفظ «کذا» اشاره با دست باشد و حضرت عدد را نیز با تأکید نشان داده، همان طور که در روایت بعد بیان خواهد شد.

روی بسنده عن أبی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ... المهدي منّا أهل البيت أشم الأنف أفنى أجلى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً يعيش هكذا و بسط يساره واصبعين من يمينه المسبحة والإبهام وعقد ثلاثة؛ (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۵۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۳، ح ۴۶۶ به نقل از کتاب الفتن ذکرها)

از ابی سعید خدری از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مهدی از ما اهل بیت، است؛ بینی باریک و کشیده و پیشانی گشاده دارد؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می‌کند،

همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود، و این مقدار - انگشتان دست چپ و دو انگشت از دست راست (شصت و اشاره) را باز کردند - هفت سال زندگی خواهد کرد.

بستوی این روایت را در زمره احادیث صحیحہ ذکر می‌کند (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۶۶)، اما در منابع شیعه سند ندارد.

و اما از نظر دلالت در این روایت عددی را بیان نفرموده، بلکه پیامبر ﷺ به صورت اشاره با دست، هفت انگشت مبارک را نشان می‌دهد که ظاهراً منظور هفت سال است. هرچند در این روایت، تعبیر «حکومت» نیامده است، اما مدت زندگی امام مهدی ﷺ را بیان می‌فرماید که مدت حکومت ایشان را نیز دربر می‌گیرد.

در بخش جمع‌بندی تحلیل‌ها بیان خواهیم کرد که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می‌تواند مؤید قول کسانی باشد که می‌گویند شاید عدد زیر ده اشاره به دوره‌های حکومت ایشان باشد نه مدت آن.

روایت دوم

اباهریره یقول: حدّثنی خلیلی ابوالقاسم رحمته‌الله: لا تقوم الساعة حتی یمخرج علیهم رجل من اهل بیتی فیضربهم حتی یرجعوا الی الحق. قال: قلت: و کم یکون؟ قال: خمس و اثنین [کذا]. قال: قلت: ما خمس و اثنین؟ قال ابا هریره: لا ادري؛ (موصلي، بی‌تا: ج ۱۲، ۱۹، ح ۶۶۶۵؛ هبشی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵)

اباهریره می‌گوید: خلیل من ابوالقاسم (پیامبر ﷺ) به من فرمود: قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من برایشان خارج شود؛ پس آن‌ها را بزند تا این که به حق برگردند. می‌گوید: به ایشان عرض کردم: چه مدت زمانی این‌گونه است؟ [با اشاره با دست] فرمود: پنج و دو. راوی می‌گوید: به اباهریره گفتم: پنج و دو یعنی چه؟ او گفت: نمی‌دانم.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای روایت فوق درست می‌کند درباره سند آن می‌گوید: «[سناد ضعیف] (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۲۳۷-۲۳۹)؛ اما از نظر دلالت در این روایت به عدد هفت تصریح نشده، ولی فرموده است: «پنج و دو» و لفظ «کذا» در روایت، تأکید بر اعداد پنج و دو است و احتمال دارد برای بیان اشاره پیامبر ﷺ به کار رفته باشد.

در بخش جمع‌بندی تحلیل‌ها باز خواهیم گفت که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می‌تواند مؤید قول کسانی باشد که می‌گویند: شاید عدد زیر ده سال اشاره به دوره‌های حکومت آن حضرت باشد نه مدت آن، خصوصاً با این قرینه که راوی این خبر نیز از اشاره

حضرت، سال را نفهمیده است.

روایت سوم

وعن أم سلمة زوج رسول الله ﷺ قالت: قال: ... فيقسم المال ويعمل بسنتي - أوقال: -

بسنة نبهم، ويلقى الإسلام بجرانه إلى الأرض فليث سبع سنين؛ (ابن بطريق، ۱۴۰۷: ۴۳۳ -

۴۳۴: ابن حنبل، بی تا: ج ۶، ۳۱۶: ابوداود، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰-۳۱۱: موصلی، بی تا: ۱۲، ۳۷۰: ابن حبان،

۱۴۱۴: ج ۱۵، ۱۵۹)

از ام سلمه همسر پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: ... پس هفت

سال خواهد ماند....

عبدالعظیم بستوی پس از این که روایت را به طرق متعدد ذکر می کند، نتیجه می گیرد که

سندها همه ضعیفند (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۲۴-۳۳۴).

دلالت روایت: اگرچه در این روایت نیز به نام امام مهدی ﷺ تصریح نشده، اما با مقایسه آن

با سایر روایات می فهمیم که درباره آن حضرت است. همچنین در این روایت نیز مدت حیات

حضرت بر روی زمین را بعد از تشکیل حکومت، هفت سال می داند و این اعم از مدت حکومت

است، ولی ثابت می کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

از جناب ام سلمه روایت دیگری درباره حکومت هفت ساله نقل شده است:

عن ليث عن أبي جعفر محمد بن علي بن حسين عن أم سلمة قالت: قال رسول

الله ﷺ: ... فيعود عائذ بالحرم فيجتمع الناس إليه كالطائر الواردة المتفرقة حتى تجمع

إليه ثلاثمائة وأربع عشرين نسوة فيظهر على كل جبار و ابن جبار و يظهر من العدل ما

يتمنى له الأحياء أمواتهم فيحيا سبع سنين فإن زاد ساعة فأربع عشرة ثم ما تحت

الأرض خير مما فوقها؛ (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۳۴)

ام سلمه از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل می کند که فرمود: ... سپس پناهنده ای به حرم پناه

می آورد و مردم مانند پرندگانی که از اطراف در یک جا جمع شوند، گرد او جمع خواهند شد

تا جایی که سیصد و چهارده نفر دور او را می گیرند و در بین آن ها زنان نیز هستند و بر هر

زورگو و فرزند زورگویی غالب می شود و عدالتی محقق می سازد که زندگان آرزو می کنند

کاش گذشتگان بودند و می دیدند. و [او] هفت سال زندگی می کند؛ پس اگر از هفت سال

بیشتر شود، بیش از چهارده ساعت نخواهد شد و پس از آن، آن چه زیر زمین است از آن چه

روی زمین است بهتر خواهد بود.

هیثمی پس از نقل این روایت از طبرانی می گوید: رجال روایت همه صحیح هستند، غیر از

لیث بن ابی سلیم که اهل تدلیس بوده وضعیف است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵).

بستوی روایت را در شمار روایات ضعیف نقل می‌کند و می‌گوید: تمام رجال حدیث، غیر از لیث بن ابی سلیم، ثقه هستند (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۲۱-۳۲۳).

در رجال شیعه نیز بیان شده که لیث بن ابی سلیم از راویان اهل سنت است که از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت نقل می‌کند و او را مجهول دانسته‌اند (حلی، ۱۳۹۲: ۴۹۶؛ حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۴).

در این روایت اگرچه به نام امام مهدی علیه السلام تصریح نشده و به عنوان پناهنده‌ای که به حرم پناه آورده مطرح می‌شود، اما با توجه به سایر مطالب مطرح شده در روایت، وی شخصی غیر از امام زمان علیه السلام نخواهد بود.

همچنین این روایت مدت حیات حضرت را هفت سال می‌داند و این اعم از مدت حکومت است، ولی ثابت می‌کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

۲. نه سال

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُصِيبُ النَّاسَ بَلَاءٌ شَدِيدٌ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَةِ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّيْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يُحِبُّهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، وَتُرْسِلُ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا لَا تُمْسِكُ مِنْهُ شَيْئًا، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ تِسْعَ سِنِينَ؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۴۸-۱۰۴۹)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به مردم بلای سختی می‌رسد تا آن‌جا که شخص، راه فرار و پناهگاهی پیدا نکند بعد از آن خداوند مردی را از نسل اهل بیت من می‌فرستد و او زمین را مملو از عدل و قسط می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود. اهل آسمان و زمین ایشان را دوست دارند؛ آسمان بارانش را می‌فرستد و زمین گیاهانش را خارج می‌کند و چیزی از آن نگه نمی‌دارد. [او] در این حالت نه سال زندگی می‌کند.

این روایت در منابع شیعه وجود ندارد و تنها در منابع اهل سنت آمده است. بستوی نیز درباره سند آن حکم به ضعف می‌دهد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۵۴-۲۵۵).

دلالت روایت: لفظ «رجل» در روایت مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا به قرینه سایر روایات، معلوم می‌شود که مراد امام مهدی علیه السلام است؛ ولی لفظ «يعيش في ذلك» اگر از آن این‌گونه برداشت شود که زندگی امام در حال گسترش عدل و نزول برکات و... نه سال ادامه دارد، شاید نتوان از آن، مدت حیات و حکومت امام زمان علیه السلام را دریافت.

از ابوسعید خدری این عدد به گونه ای دیگر نیز نقل شده است:

ومن ذلك ما رواه أيضاً في الجمع بين الصحاح الستة عن أبي سعيد الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: المهدي مني أجلى الجبهة أبقى الأنف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً ويملك سبع سنين، وفي رواية عن هشام: تسع سنين، وفي رواية الفراء في كتاب المصابيح مثل الحديث بهذه الألفاظ إلا أنه قال: يملك تسع؛ (ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۷، ح ۲۸۷؛ ابن بطريق، ۱۴۰۷: ۴۳۳، ح ۹۱۰ عن الجمع بين الصحاح) واز همين قبيل است آن چه از الجمع بين الصحاح الستة از ابی سعيد خدری روایت کرده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: ... و در روایتی از هشام، نه سال ذکر شده و در روایت فراء از کتاب المصابيح، همين روایت به همين مضمون است، الا اين که می گوید: نه سال حکومت می کند.

۳. زیرده سال

عن علي بن أبي طالب قال: ليخرجن رجل من ولدی عند اقتراب الساعة ... فيحيى الله بالمهدي محمد بن عبد الله السنن التي قد أميتت، ويسر بعدله وبركته قلوب المؤمنين وتتألف إليه عصب من العجم وقبائل من العرب، فيبقى على ذلك سنين، ليس بالكثيرة دون العشرة ثم يموت؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۵۹۱-۵۹۲ به نقل از الملاحم ابن منادی) از امام علی (ع) نقل شده است که حتماً مردی از فرزندان من نزدیک قیامت خروج خواهد کرد ... پس خداوند به وسیله مهدی - محمد بن عبدالله - سنت های مرده را زنده خواهد کرد و به سبب عدل او و برکت وجود او قلب های مؤمنان شاد خواهد شد و گردهمایی عجم به سوی او تشکیل خواهد شد و قبایلی از عرب نیز حمایت می کنند و بر همين حالت چند سالی که بیش از ده سال نخواهد شد باقی می ماند و سپس می میرد.

متقی هندی سند روایت را ذکر نکرده است. بستوی نیز این روایت را در زمره روایات بی سند می آورد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۸۰).

از دیدگاه شیعه نیز این روایت پذیرفتنی نیست؛ زیرا علاوه بر جهت سندی، نام پدر حضرت مهدی (عج) را عبدالله می داند و این با روایات و عقاید شیعه سازگاری ندارد.

۴. ده سال

حذيفة بن يمان عن النبي ﷺ: ... يرضى بخلافته اهل السموات والارض والطير في الجؤمليك عشر سنين؛ (عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۴۱، عن نسخة من الفصول المهمة؛ مالکی مکی، ۱۴۲۲:

ج ۲، ۱۱۰۸-۱۱۰۹، باورقی ۱، نسخه الف عن فردوس الاخبار باسناده عن حذیفه بن الیمان؛ ماحوذی، ۱۴۱۷: ۲۰۸ عن فردوس الاخبار)

حذیفه بن یمان از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که ... اهل آسمان و زمین از خلافت او (امام مهدی ﷺ) راضی می‌شوند و پرندگان در هوا هم، ده سال حکومت می‌کند.

منابع روایی، این روایت را بدون سند وبا استناد به کتاب فردوس الاخبار نقل کرده‌اند و به دلیل دردسترس نبودن نسخه کتاب یادشده، مشخص نیست که نویسنده سند آن را ذکر کرده یا آن را بدون سند نقل نموده است؛ براین اساس اظهار نظر درباره اعتبار این روایت ممکن نیست.

ب) روایات تردید

۱. پنج یا هفت

عن ابی سعید الخدری ... عن النبی ﷺ قال: يخرج المهدي في أمتي خمساً أو سبعاً - شك أبو الجواری (زید) - قلنا: أي شيء؟ قال: سنين؛ (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷، به نقل از احمد و ترمذی و ابن ماجه)

از ابی سعید خدری از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمود: مهدی در امت من خروج می‌کند پنج یا هفت (این شک از جانب زید ابوالجواری است). گفتیم: چه چیزی؟ گفت: سال.

سیوطی این متن را از این سه نفر نقل می‌کند، در حالی که درسین احمد و ترمذی لفظ «خمساً أو سبعاً أو تسعاً» (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳، باب ۴۴، ح ۲۳۳۳؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱) و درسین ابن ماجه لفظ «ان قصر ف سبع و الا فتسع» آمده است (قزوینی، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۷).

این روایت نه در منابع اهل سنت و نه در منابع شیعه سند ندارد و به نظر می‌رسد همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید زید ابوالجواری باعث این مشکل شده است.

۲. پنج یا هفت یا نه

عن ابی سعید الخدری قال: خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا [فينا] حَدَّثَ فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ ﷺ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا - زَيْدُ الشَّائِكِ - . قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَلِكَ؟ قَالَ: سِنِينَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۸، ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳، باب ۴۴، ح ۲۳۳۳؛ اربلی، بی تا: ج ۲، ۴۷۸ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۲ ح ۳۸۶۵۴ با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱ با اندکی تفاوت)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: ما ترسیدیم بعد از پیامبر (ص) [درباره ما] اتفاقی بیفتد. از پیامبر گرامی اسلام (ص) [در این باره] سؤال کردیم، فرمود: همانا در امت من مهدی است. [او] خروج می‌کند و پنج یا هفت یا نه زندگی می‌کند (تردید از جانب زید [راوی زید ابا الجواری] است) می‌گوید: گفتیم: و آن چیست؟ فرمود: سال.

بنابر نقل عبدالعظیم بستوی این روایت از دو طریق نقل شده است و هر دو اسناد ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۶۸-۷۰). دلالت روایت نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد و مراد از زید، زید ابوالجواری (اباالجواری) است. به نظر می‌رسد این روایت نیز همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید از جانب زید ابوالجواری است.

۳. شش یا هفت

ام سلمه قالت: قال رسول الله (ص) ... فيخرج رجل من بني هاشم ... يعيش في ذلك سبع سنين أو ست سنين؛ (طبرانی، ۱۴۰۵: ۲۳، ۳۹۰)
ام سلمه می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: پس مردی از بنی هاشم خروج می‌کند ... در این حالت هفت یا شش سال زندگی می‌کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد.
درباره این روایت گفتنی است مراد از «رجل من بنی هاشم» به قرینه روایات دیگر، امام مهدی (عج) است.

۴. شش یا هفت یا نه

ابی سعید عن النبی (ص) ... ويملك ستاً أو سبعا أو تسعاً؛ (عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۳۰، ح ۱۸ به نقل از مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: باب ۱، ح ۳)
ابی سعید از پیامبر (ص) نقل کرده که ... و شش یا هفت یا نه سال حکومت می‌کند.

این روایت در منبع اصلی (عقد الدرر) به این صورت آمده: «يملك سبعا أو تسعاً» و لفظ «ستاً» ندارد (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۱۶). بنابر این در جای مربوط به خود^۱ بررسی خواهد شد.

۱. رقم ۶، روایت ۱.

۵. هفت یا هشت

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: أبشركم بالمهدي ... فيكون كذلك سبع سنين أو ثمان سنين، ثم لا خير في العيش بعده، أو قال: ثم لا خير في الحياة بعده؛ (اربلي، بی تا: ج ۲، ۴۸۳)

ابی سعید خدری می گوید: پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: به شما بشارت می دهم درباره مهدی ... پس همین طور تا هفت یا نه سال باقی خواهد بود [و] پس از آن خیری در زندگی نیست.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از همین راوی (ابی سعید خدری) دو روایت دیگر با همین مضمون، البته با تعابیر متفاوت نقل شده است:

أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - ان رسول الله ﷺ قال: يخرج في آخر أمتي المهدي ... يعيش سبعا أو ثمانياً يعني حججاً؛ (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۵۸)

ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی در آخر امت من خروج خواهد کرد... هفت یا هشت زندگی می کند، یعنی هفت یا هشت حج [که منظور سال است].

این روایت نیز از منابع اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز بررسی خواهد شد.

عن أبي الصديق الناجي عن أبي سعيد الخدري قال: ذكر رسول الله ﷺ بلاء يصيب هذه الأمة ... فيبعث الله رجلاً من عترتي ... يعيش في ذلك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۳۵، ح ۲۶ از کتاب البیان و الطبرانی فی معجمه و ابونعیم فی مناقب المهدي ﷺ)

ابوصدیق ناجی از ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که حضرت درباره بلایی که به این امت می رسد سخن فرمود: ... سپس خداوند مردی را از عترت من برمی انگیزد ... در این حال هفت یا هشت سال زندگی می کند.

این روایت هم از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

۶. هفت یا نه

روایت یکم

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: ... ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتَرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ

تسعا؛ (ابن حنبل، بی تا؛ ج ۳، ۲۸؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۱۶)

پیامبر ﷺ فرمود... و در آن هنگام مردی از خاندان من به پا می خیزد [و] هفت یا نه سال حکومت می کند.

اگرچه عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث می گوید: «الحديث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۳۰۲-۳۰۵)، ولی در جایی دیگر، روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می کند (همو، ۱۴۲۰ ب: ۳۷۵). دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیری متفاوت - نقل شده است:

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: ان من اهل بيتي... يعيش هكذا أومي بيده سبع أو تسع؛ (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۰؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۱۰-۱۱۱)
از ابی سعید از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «همانا از اهل بیت من ... به این مقدار زندگی می کند» و با دست به عدد هفت یا نه اشاره کرد.

بنا بر منابع اهل سنت و همچنین مطابق منابع شیعه، این روایت سند ندارد. دلالت آن نیز در پایان این بخش بررسی خواهد شد.

نکته مهم در این روایت، این است که با اشاره - و نه به صورت لفظ - عددی را بیان فرموده و شاید بتوان آن را اشاره به دوره های حکومتی حضرت دانست که در بخش تحلیل ها قابل استفاده است.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ ﷺ، إِنْ قَصُرَ سَبْعٌ وَإِلَّا قَتِسَعٌ؛ (قرزینی، بی تا؛ ج ۲ ص ۱۲۶۷) و (حاکم نیشابوری، بی تا؛ ج ۴ ص ۵۵۸)
ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من خواهد بود؛ چون ظهور کند اگر کوتاه باشد هفت و الا نه سال حکومت می کند.

این روایت به شش طریق از اهل سنت روایت شده و مطابق تخریج عبدالعظیم بستوی اسنادش ضعیف است، هرچند آن را شدید الضعف نمی داند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۶۲-۶۷). دلالت این حدیث هم در پایان همین بخش بررسی می شود.

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: هو رجل من عترتي أوقال من امتي يعيش سبعا أو تسعا؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۳؛ الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۳۳؛ ح ۵۴۹؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۵، باب

۱۷۸، ح ۲۲۲ عن نعیم بن حمّاد)

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ هفت یا نه سال زندگی می‌کند.

عبدالعظیم بستوی، پس از ذکر سه طریق برای روایت، آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۷۸).

در الملاحم سید بن طاووس نیز افزون بر وجود افراد مجهول در سند، لفظ «عن رجل من اهل حجر» آمده که هم مبهم و هم مجهول است و سند را از اعتبار ساقط می‌کند.^۱ دلالت این روایت نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت دوم

عن قتادة يرفعه الى النبي ﷺ: ... فيستخرج الكنوز ويقسم المال ويلقى الإسلام بجزّانه إلى الأرض يعيش في ذلك سبع سنين أو قال تسع سنين؛ (هيثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵؛ صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵)

قتاده مرفوعاً از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که: ... پس گنج‌ها را استخراج می‌کند و مال را تقسیم می‌نماید و اسلام در سراسر کره زمین گسترش می‌یابد (تعبیر کنایی). در این حالت هفت سال - یا فرمود نه سال - زندگی می‌کند

این روایت در منابع اهل سنت، سند ندارد و مرفوعه است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لطول الله تلك الليلة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً ويقسم المال بالسوية ويجعل الله الغنى في قلوب هذه الأمة فيملك سبعا أو تسعاً لا خير في عيش الحياة بعد المهدي؛ (اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۷)

از عبدالله بن مسعود از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: اگر تنها یک شب از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن شب را طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد که اسم او هم نام من و اسم پدر او هم نام پدر من است. دنیا را مملو از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود و مال را به صورت مساوی تقسیم می‌کند و خداوند روحیه بی نیازی را در قلب این امت قرار می‌دهد. پس هفت یا نه سال

۱. بررسی سند: حدثنا نعیم، حدثنا المعمر بن سلیمان (مجهول) عن القاسم بن الفضل المراغي (مجهول) عن رجل من أهل حجر (مجهول - مبهم).

حکومت می‌کند و بعد از مهدی (عج) خیری در زندگی نیست.

اربعی این روایت را از ابی نعیم نقل کرده و سند روایت را ذکر نمی‌کند. بستوی نیز روایت را در شمار روایات ضعیف و بی‌سند به شمار آورده است (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۷۳).

۷. هفت یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يملك المهدي ﷺ أمر الناس سبعا أو عشرا وأسعد الناس به أهل الكوفة؛ (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۳۰۰؛ بحرانی، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۷)
ابوسعید از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی (عج) حکومت مردم را به مدت هفت یا ده [سال] به دست می‌گیرد و با سعادتمندترین مردم در آن زمان اهل کوفه‌اند.

سند روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد؛ دلالت آن نیز در پایان بخش بررسی خواهد شد.

۸. هفت یا هشت یا نه

روایت یکم

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: المهدي ﷺ يعيش في ذلك يعني بعد ما يملك سبع سنين أو ثمان أو تسع؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۳)
ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی (عج) بعد از ظهور و سلطنت، هفت یا هشت یا نه سال زنده می‌ماند.

این روایت با این متن نه در منابع اهل سنت سند دارد و نه در منابع شیعه؛ اما عبدالعظیم بستوی آن را با مقدار کمی تفاوت از مصنف عبدالرزاق (صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۷۲) و الفتن نعیم بن حماد نقل کرده و پس از ذکرشش طریق برای آن، آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۵۱-۲۵۵). دلالت آن هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر با همین مضمون - البته با تعابیری متفاوت - نقل شده است:

سمعت ابا سعيد الخدري قال: قال النبي ﷺ: يكون من امتي المهدي ﷺ فإن طال عمره أو قصر عمره عاش سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين ...؛ (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۲۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۴، ج ۴۶۸ عن زکریا فی کتاب الفتن؛ کوفی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۶۷۸، ج ۱۸۴ با اندکی تفاوت؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۷ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۴، ج ۳۷۷۰۶؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۴۸۵ با اندکی تفاوت؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۷۷، ج ۴۶۸/۷۲)

ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ از امت من است. اگر عمر وی بلند یا کوتاه باشد، هفت یا هشت یا نه سال زندگی می‌کند.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث، نتیجه می‌گیرد که «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۷۶-۱۷۹) و آن را می‌پذیرد، اما در منابع شیعه سند درستی ندارد.^۱

این حدیث از جهت دلالت، نکاتی دارد که برای فهم این دسته از روایات کارگشاست و در پایان بخش، بررسی خواهد شد.

عن ابی سعید الخدری أنّ رسول الله ﷺ ذکر المهدی ﷺ فقال: فیمکث سبعاً أو ثمانی أو تسعاً یعنی سنة و لاخیر فی العیش بعد هذا؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۷۲، ح ۴۶۳ / ۶۷: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۳، ح ۴۶۵ با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۳۷ با اندکی تفاوت؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۴؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۶، ۵۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۶، ح ۳۸۶۶۹ با اندکی تفاوت) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبر گرامی اسلام درباره مهدی ﷺ فرمود: پس هفت یا هشت یا نه سال می‌ماند و پس از آن خیری در زندگی نیست.

این روایت از جهت سند ضعیف بوده و از مجاهیل نقل شده است^۲ و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

عن أبی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: یكون المهدی ﷺ فی امتی إن قصر فسبع، وإلا فثمان أو تسع؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۶) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره مهدی ﷺ فرمود:

۱. سند *دلائل الإمامة*: و عنه (محمد بن هارون) عن ابيه (هارون بن موسى) (مجهول - توثیق نشده) عن ابی علی حسن بن محمد النہاوندی (توثیق نشده) قال: حدثني احمد بن زهير (مجهول) قال: حدثنا عبد الله بن عمر قال: حدثنا محمد بن مروان قال: حدثنا عمارة بن ابی حبة قال: اخبرنا زيد العمی عن ابی الصديق الناجی عن ابی سعید الخدری.

سند *الملاحم و الفتن* سید بن طاووس: حدثنا محمد بن جریر قال: حدثنا ابن حمید (مجهول) قال: اخبرنا الحكم (مشترب - مجهول) قال: اخبرنا خلاد بن مسلم الصفاء (توثیق نشده) و عمرو بن قیس (مجهول) عن زيد العمی عن ابی الصديق الناجی.

۲. سند *دلائل الإمامة*: و قال ابو علی النہاوندی (مجهول) حدثنا ابوعلی هشام بن علی السیرافی (مجهول) قال: حدثنا عبد الله رجاء (مجهول) قال: حدثنا همام (مجهول) عن المعلى ابن زياد (مجهول) قال: حدثني العلاء رجل من مزنيہ (مجهول) عن ابی سعید الناجی عن ابن سعید الخدری.

سند سید بن طاووس: ذکر فی کتاب *الفتن* قال: حدثنا محمد بن یحیی (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاه من كتابه قال: حدثنا جعفر بن سليمان (مجهول) قال: حدثنا المعلى بن زياد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشير المزني (مجهول) عن ابی الصديق الناجی عن ابی سعید خدری.

مهدی (عج) در امت من است. اگر [مدت حکومت او] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت یا نه سال خواهد بود.

این روایت طبق منابع اهل سنت و همچنین بنابر منابع شیعه سند ندارد و عبدالعظیم بستوی نیز روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می کند (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۷۵).

عن ابی سعید عن رسول الله (ص): ... حتی تتمنى الاحياء الاموات يعيش فى ذلك سبع سنين أو ثمان أو تسع سنين؛ (صنعانی، بی تا: ج ۱، ۳۷۲، ح ۲۰۷۷۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۲۵۳، ح ۱۰۵؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۴۶۵ با اندکی تفاوت؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۸ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۵، ح ۳۸۷۰۸ با اندکی تفاوت)

ابوسعید از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: ... تا این که زندگان آرزوی زنده بودن مردگان را می کنند [تا باشند و این تنعم را ببینند]. در این حالت هفت یا هشت یا نه سال زندگی می کند.

این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

عن أبی سعید الخدری قال: قال رسول الله (ص): أبشركم بالمهدي (عج) ... قال: فيكون ذلك سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين ثم لا خير في العيش بعده. أو قال: لا خير في الحياة بعده؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۲ - ۳۲۳؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷؛ هيثمي، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۳ - ۳۱۴)

ابوسعید از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: بشارت می دهم به شما درباره مهدی ... این حالت حکومت هفت یا هشت یا نه سال ادامه پیدا می کند و سپس خیری در زندگی پس از آن نخواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از آن که درباره سند این روایت سه طریق نقل می کند، اسناد حدیث را ضعیف می داند (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۷۱-۷۳). سند روایت از متون شیعه نیز ضعیف است.^۱

۴۱ عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله (ص): يكون في امتي المهدي (عج) يكون سبع

۱. سند سید بن طاووس: ذکر فی کتاب الفتن قال: حدثنا محمد بن یحیی (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاء من كتابه قال: حدثنا جعفر بن سليمان (مجهول) قال: حدثنا المعلى بن زياد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشير المزني (مجهول) عن ابی الصديق الناجی عن ابی سعید خدری.

سنین أو ثمان سنين أو تسعاً؛ (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۷۴-۷۵ به نقل از العلل المتناهیة ابن جوزی)

ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که در امت من مهدی ﷺ است هفت یا هشت یا نه سال خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از نقل روایت می‌گوید: إسناد حدیث به طور جدی ضعیف است.

روایت دوم

وعن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: يكون في أمتي المهدي إن قصر فسبع وإلا فثمان وإلا فتسع؛ (رواه الطبرانی فی الأوسط ورجاله ثقات؛ الدانی، ۱۴۱۶ ج: ۵، ۱۰۳۶-۱۰۳۵، ح: ۵۵۰؛ هیثمی، ۱۴۰۸ ج: ۷، ۳۱۷؛ طبرانی، ۱۴۱۵ ج: ۵، ۳۱۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ج: ۱۴، ۲۷۴)

ابوهریره از نبی اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من است اگر [مدت حکومت وی] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] است

اگرچه در مجمع الزوائد رجال حدیث مورد اعتماد به شمار آمده، ولی عبدالعظیم بستوی پس از گفت‌وگو درباره رجال این حدیث إسناد آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۴۰-۴۴).

از ابی هریره روایت دیگری نیز با همین مضمون - البته با قدری تفاوت - نقل شده است:

وعن أبي هريرة قال: ذكر لي رسول الله ﷺ المهدي، فقال: إن قصر فسبع وإلا فثمان وإلا فتسع وليملأن الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً؛ (هیثمی، ۱۴۰۸ ج: ۷، ۳۱۶)

از ابوهریره نقل شده که نام مهدی ﷺ نزد پیامبر ﷺ برده شد. حضرت فرمود: اگر [مدت حکومت وی] کوتاه باشد هفت [سال]، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] خواهد بود و حتماً زمین را مملو از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.

عبدالعظیم بستوی همین روایت را با همین سند و منبع و همین متن نقل می‌کند و تردید را بین هفت و هشت بیان می‌دارد؛ اما در مدرک اصلی، تردید بین اعداد هفت، هشت و نه است و درباره سند روایت می‌گوید: «إسناد ضعیف» (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۴۵).

۹. هفت یا هشت یا ده

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: يكون في أمتي المهدي ﷺ إن طال عمره ملك عشر سنين وإن قصر عمره ملك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۴، ح: ۴۶۷، عن زکریا فی کتاب الفتن)

ابوسعید خدری از رسول بزرگوار ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ در میان امت من خواهد بود. اگر عمرش طولانی شود ده سال حکومت می‌کند و اگر کوتاه باشد هفت یا هشت سال سلطنت خواهد کرد.

سند این روایت خوب نیست و از مجاهیل نقل کرده^۱ و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

۱۰. نه یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يملك المهدي تسعاً أو عشرة أسعد الناس به اهل الكوفة؛ (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۰۵، ح ۱۹۷ عن کتاب فضل الکوفه)
ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ به مدت نه یا ده [سال] حکومت می‌کند. سعادتمندترین مردم در آن زمان اهل کوفه‌اند.
منابع اهل سنت و شیعه این روایت را بدون سند نقل کرده‌اند.

بررسی دلالت روایات تردید

تردید در این روایات یا از جانب ناقلان حدیث است که به صورت دقیق کلام معصوم ﷺ را نشنیده یا عدد دقیق را فراموش کرده‌اند، یا خود معصوم ﷺ به طور دقیق عددی را بیان نمی‌کند و آن را مردد بین چند گزینه قرار می‌دهد.

تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم ﷺ برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است. برای مثال، هنگامی که می‌فرماید پنج یا هفت یا نه سال حکومت می‌کند، یعنی مدت حکومت امام زمان ﷺ کمتر از پنج سال و بیشتر از نه سال نیست. با توجه به وجود قرائن، می‌توان گزینه یکم و تردید راوی را تقویت کرد. به عنوان نمونه، در روایت مربوط به تردید بین پنج یا هفت، یا روایت تردید بین نه و پنج و هفت تصریح کرده که تردید از سوی راوی (زید ابا الحواری) است. همچنین نقل‌های متفاوت از یک راوی مانند ابی سعید خدری و ابی هریره بیان‌گر این نکته است که یا راویان طبقات بعد، در نقل یک روایت از ابی سعید و ابی هریره دچار تزلزل و تعابیر گوناگون شده‌اند، یا خود وی عدد دقیق را که از معصوم شنیده فراموش کرده و محدوده حدس خود را بیان می‌کند.

البته این فرض که تردید از جانب معصوم باشد نیز با این توجیه که معصوم به سبب مصالحی عدد دقیق را بیان نفرموده باشد، بعید نیست.

با بررسی روایات، دانستیم که روایات عدد زیرده سال بیشتر در منابع اهل سنت و معمولاً از

۱. سند سید بن طاووس: و ذکر زکریا ایضاً قال: حدثنا سفیان ابن وکیع (مجهول) قال: حدثنا ابو معاویه (مجهول) عن موسی الجهنی (مجهول) عن زید العمی عن ابی الصدیق عن ابی سعید الخدری

سوی ابوسعید خدری نقل شده است. بر این اساس، قول به عدد زبیرده سال و به طور خاص، نظریه حکومت هفت ساله، بین اهل سنت مشهور شده است (هیتمی، ۱۴۲۸: ۳۵-۳۶ عن بعض الائمة).

۵. روایات بیان کننده مدت بالای ده سال

۱. نوزده سال

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثَةَ سَنَةٍ [وثلث عشرة سنة] وَيَزِدُّهُ تِسْعًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: [وَمَا يَكُونُ ذَلِكَ؟] قَالَ: فَقَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عليه السلام. قُلْتُ لَهُ: وَكَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِّنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴، باب ۲۶، ح ۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۸-۴۷۹، ح ۵۰۵ با مقداری تفاوت در متن)

از جابر جعفی نقل شده که گفت: از اباجعفر [امام باقر عليه السلام] شنیدم که فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت سیصد و نه سال [سیصد و سیزده سال] حکومت خواهد کرد. به ایشان عرض کردم: کی چنین خواهد شد؟ فرمود: بعد از وفات قائم عليه السلام. به ایشان عرض کردم: قائم عليه السلام تا روز وفاتش چه مقدار در دنیا باقی خواهد بود؟ فرمود: نوزده سال از روز قیامت تا روز وفاتش.

سند روایت خوب و مورد اعتماد^۱ و دلالت آن نیز صریح در مدت عمر آن حضرت است که

۱. سند *الغیبه* طوسی: الفضل بن شاذان، عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل - نجاشی ۱۴۱۶: ۱۴۰ و ۱۶۰)، عن عمرو بن أبی المقدام (ممدوح - حلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴؛ ثقة - واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۱۱)، عن جابر الجعفی (ثقة فی نفسه - همو: ۱۱۰؛ ممدوح - کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۵-۱۹۶).

اگر چه سند روایت از فضل بن شاذان تا امام عليه السلام خوب و مورد اعتماد است، ولی سند شیخ به فضل بن شاذان در کتاب *الغیبه* به چند گونه ذکر شده است:

الف) حسین بن عبیدالله عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه:

ب) جماعة عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه: ج) جماعة عن تلکبری عن احمد بن علی الرازی عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه.

در طریق اول و دوم، محمد بن حسین بن سفیان بزوفری وجود دارد که توثیق ندارد و در طریق دوم و سوم، «جماعة» مجهولند و در هر سه طریق نیز نام علی بن محمد بن قتیبه یا ابن قتیبی آمده که وثاقتش مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۲، ۱۶۰). بنابراین سند شیخ طوسی برای این روایت از اعتبار کافی برخوردار نیست.

سند اصلی *الغیبه* نعمانی: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهيم بن قيس بن رمانة الاشعري و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسين بن عبد الملك الزيات و محمد بن

قطعاً مدت حکومت آن حضرت بیشتر از این مقدار نخواهد بود.

۲. نوزده سال و چند ماه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۳، باب ۲۶، ح ۱)

از حمزه بن حرمان از عبدالله بن ابی یعفور از ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] نقل شده که حضرت فرمود: قائم عليه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

دلالت روایت خوب است و ابهامی ندارد، اما سند آن ضعیف است و قابل اعتماد نیست.^۱

احمد بن الحسن القطوانی عن الحسن بن محبوب عن عمر بن ثابت عن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت:
سند این روایت به چهار سند قابل تحلیل و تفکیک است:

(الف) ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۸۳) خبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة (ثقة، جلیل، زیدی، جارودی - نجاشی ۱۴۱۶: ۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹) و قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانة الاشعری (ثقة امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۴۰) عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل - نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۴۰ و ۱۶۰) عن عمر بن ثابت (عمر بن ابی المقدام) (ممدوح - حلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴؛ ثقة - واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۱۱) عن جابر بن یزید الجعفی (ثقة فی نفسه - همو: ۱۱۰؛ ممدوح - کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۵-۱۹۶). (سند خوب است)

(ب) ابن ابی زینب خبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال: حدثنا ... احمد بن الحسن بن عبد الملك (زیات) (ثقة - نجاشی ۱۴۱۶: ۸۰) عن الحسن بن محبوب ... (این سند نیز خوب است)

(ج) ... عن ابن عقدة قال: حدثنا ... و سعدان بن اسحاق بن سعید (توثیق نشده - مجهول) عن الحسن بن محبوب ...

(د) ... عن ابن عقدة قال: حدثنا ... و محمد بن احمد بن الحسن القطوانی (توثیق نشده - مجهول) ... (دو سند آخر ضعیف است)

۱. سند اصلی: أخبرنا [ابن ابی زینب] احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الكوفی قال: حدثنی علی بن الحسن التیملی عن الحسن بن علی بن یوسف عن ابيه و محمد بن علی عن ابيه عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان عن عبد الله ابن ابی یعفور عن ابی عبد الله عليه السلام.

سند این روایت به دو سند قابل تحلیل و تبدیل است:

سند ۱. ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۸۳) احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الكوفی (ثقة زیدی، جارودی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۹۲) قال: حدثنی علی بن الحسن [بن علی بن فضال] التیملی (ثقة، فطحی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۵۷-۲۵۸) عن الحسن بن علی ابن یوسف (بقاج) (کوفی ثقة، مشهور، صحیح الحدیث - نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۰) عن ابيه (توثیق نشده) عن احمد بن عمر [بن شعبه] الحلبي (ثقة - نجاشی، ۱۴۱۶: ۹۸) عن حمزة بن حرمان [بن أعین الشیبانی] (توثیق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفور.

سند ۲. [أخبرنا] ابن ابی زینب عن احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الكوفی قال: حدثنی علی بن الحسن التیملی عن محمد بن علی (توثیق نشده) عن ابيه (توثیق نشده) عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان (توثیق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفور.

بنا بر این هر دو سند روایت ضعیف است.

از ابن ابی یعفور چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَلَكُ الْقَائِمِ مِائَتُ تِسْعَ عَشْرَةِ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴، باب ۲۶، ح ۲)

عبدالله بن ابی یعفور می گوید: ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] می فرماید: حکومت قائم ما نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

سند این روایت نیز ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست،^۱ اما دلالت آن صریح و خوب است.

ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ تِسْعَ عَشْرَةِ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴-۳۵۵، باب ۲۶، ح ۴)

از حمزة بن حرمان از ابن ابی یعفور از ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] نقل شده که فرمود: همانا قائم عليه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

سند این روایت هم ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست،^۲ اما دلالت آن واضح و صریح است. همچنین احتمال دارد هر سه روایت در واقع یک روایت باشند؛ زیرا راوی و مروی عنه یکی است و شاید اختلاف تعابیر به سبب اختلاف در نقل باشد.

۳. بیست سال

روایت یکم

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي ... يَرْصِي بِخِلَافَتِهِ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ وَالطَّيْرِ فِي الْحَيَاةِ مِائَتَ عَشْرِينَ سَنَةً؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۱ ح ۴۱۴/۱۸ با اندکی تغییر؛ همو، ۱۴۱۰: ۱۹۷، ح ۵؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱، ج ۹۱، باب ۱ به نقل از الفردوس؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۳۹، ح ۹۲۲؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۸۳)

از حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله نقل شده که فرمود: ... مهدی عليه السلام از فرزندان من است. ... اهل آسمان ها و اهل زمین و پرند در هوا به خلافت ایشان راضی هستند.

۱. اخیرنا ابی زینب ابوسلیمان احمد بن هوذة الباهلی (توثیق نشده - مجهول) قال: حدثنا ابراهیم بن اسحاق النهاوندی (نجاشی و شیخ او را تضعیف کرده اند - نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۱۴) قال: حدثنا ابو محمد عبدالله بن حماد الانصاری قال: حدثنی عبد الله بن ابی یعفور.

۲. اخیرنا [ابن ابی زینب] علی بن احمد بن نصر البندنجی (ابن داوود و علامه حلی او را تضعیف کرده اند - حلی، ۱۳۹۲: ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۱۷: ۳۶۹) عن عبید الله بن موسی العلوی (توثیق نشده - مجهول) عن بعض رجاله (مرسله) عن احمد بن الحسن عن اسحاق عن احمد بن عمر بن ابی شعبة الحلبي عن حمزة بن حرمان عن عبد الله بن ابی یعفور.

[او] بیست سال حکومت خواهد کرد.

سند روایت ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست.^۱ عبدالعظیم بستوی نیز روایت را از *علل متناهیة* ابن جوزی و *اخبار المهدی* ابونعیم و *الفردوس* نقل کرده و پس از این که سه طریق نقل برای آن درست می‌کند، می‌گوید: اگر حدیث جعلی نباشد، به طور جد ضعیف است (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۹۰-۹۳)، اما دلالت روایت واضح است و ابهامی ندارد.

از حذیفه روایت دیگری نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

حذیفه بن الیمان یقول: قال عمران بن الحصین: صف لنا یا رسول الله هذا الرجل وما حاله؟ فقال النبی ﷺ: ... يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظمناً و جوراً يملك عشرين سنة؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۸۱، باب ۷۰، ج ۴۰۷ عن ابوصالح السلیلی)

حذیفه بن یمان می‌گوید: ... عمران بن حصین پرسید: ای پیامبر خدا، این مرد (مهدی ﷺ) و احوالات وی را برای ما توصیف کنید. پس پیامبر ﷺ فرمود: ... زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. [او] بیست سال حکومت می‌کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد، ولی از نظر دلالت صریح در مدت حکومت است.

روایت دوم

عن ابی امامة عن رسول الله ﷺ: ... المهدي من ولدی ابن اربعین سنة ... كآته من رجال بنی اسرائیل يملك عشرين سنة؛ (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۹؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۰۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۸، ج ۳۸۶۸۰)

از ابا امامه نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: ... مهدی ﷺ از فرزندان من چهل ساله است ... [از جهت جثه بدنی] مانند یکی از مردان بنی اسرائیل است [و] بیست سال حکومت خواهد کرد.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای این روایت درست می‌کند، اسناد آن را ضعیف شمرده و متن آن را نیز با روایات هفت سال ناسازگار می‌داند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۱۲۱-۱۲۲)؛ گویا هفت سال را قول مسلم بین اهل سنت گرفته است.

۱. سند *دلائل الامامة*: حدثنی [محمد بن جریر طبری] ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد الطبری قال: حدثنا ابوالحسن محمد بن المظفر الحافظ (اضطرب عقله - حلی، ۱۴۱۷: ۲۶۹) قال: حدثنا عبدالرحمن بن اسماعیل قال: حدثنا علی بن ابراهیم الصوری قال: حدثنا داود قال: حدثنا سفیان عن منصور عن ربیع بن الخراش (توثیق نشده - مجهول) عن حذیفه بن الیمان.

در متن بعضی از منابع نیز نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده است، اما با ویژگی‌های مطرح شده در آن و مقایسه با سایر روایات، معلوم می‌شود که منظور، حکومت امام زمان علیه السلام است.

۴. چهل سال

روایت یکم

ابن عمر بن علی بن الحسین عن ابی عبد الله علیه السلام قال: القائم من ولدی یعمر عمر خلیل الرحمن یقوم فی الناس و هو ابن ثمانین سنة و یلیث فیها اربعین سنة؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۲۵۴)
از فرزند عمر بن علی بن حسین از ابی عبدالله [امام صادق علیه السلام] نقل شده که فرمود: قائم از فرزندان من به اندازه عمر [ابراهیم] خلیل الرحمن عمر می‌کند. در بین مردم قیام می‌کند، در حالی که هشتاد ساله است و چهل سال زندگی می‌کند.

سند روایت ضعیف است،^۱ ولی از نظر دلالت مدت حیات را بیان می‌کند که مدت حکومت را نیز شامل می‌شود، به این معنا که مدت حکومت بیش از این مقدار نخواهد بود.

روایت دوم

عن ربیع بن خراش قال: سمعت حذیفه بن الیمان قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ... قد أفلحت أمة أنا أولها و عیسی علیه السلام آخرها فیصلی خلف رجل من ولدی فإذا صلی الغداة قام عیسی علیه السلام حتی یجلس فی المقام و ذکر متابعتة و أن مقامه فی الدنیا أربعون سنة؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۰۱ عن الفتن للسلیلی)
حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: حقا که رستگاران آن امتی که من اول آن‌ها باشم و عیسی علیه السلام آخر آن‌ها باشد. پس عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌خواند. هنگامی که نماز صبح را خواند عیسی علیه السلام برمی‌خیزد و متابعت خود را ذکر می‌کند و مکث او در دنیا چهل سال خواهد بود.

سند این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و در دلالت آن هم ابهام وجود دارد؛ زیرا با ضمیر بیان شده و احتمال دارد ضمیر به حضرت عیسی علیه السلام برگردد؛ یعنی منظور روایت، بیان عمر حضرت عیسی علیه السلام باشد و این نکته دلالت روایت را مجمل می‌کند.

۱. ... و حدثني [محمد بن جریر الطبری] ابو عبد الله الحسين عبد الله الخرقی (توثیق نشده - مجهول) قال: حدثنا ابو محمد هارون بن موسى قال: حدثنا ابو علی محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالک الکوفی (کذاب - حلی، ۱۳۹۲: ۴۳۵ - ۴۳۶؛ واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۴۹) قال: حدثنا عمر بن طرخان (توثیق نشده) قال: حدثنا محمد بن اسماعیل عن ابن عمر بن علی بن الحسین عن ابی عبد الله علیه السلام.

روایت سوم

عن زید بن وهب الجهنی ... لما طعن الحسن بن علی علیه السلام بالمدائن أتیته ... فقال: ... أن أمير المؤمنين علیه السلام قال لی ذات یوم ... فکذلك حتی یبعث الله رجلاً فی آخر الزمان ... یملأ الأرض قسطاً وعدلاً ... وتظهر له الكنوز، یملك ما بین الخافقین أربعین عاماً ... ؛ (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰ - ۱۱)

زید بن وهب جهنی نقل می‌کند: زمانی که امام حسن علیه السلام در مدائن ضربه‌ای به پای مبارکش خورد به خدمت آن حضرت رسیدم ... فرمود: ... روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمود: ... و همین گونه خواهد بود تا خداوند مردی را در آخر الزمان بفرستد ... زمین را مملو از عدالت و قسط کند ... و گنج‌ها برای او ظاهر شود و چهل سال بر کل کره زمین حکومت خواهد کرد ...

در سند این روایت ارسال است و راویان واسطه بین طبرسی و زید بن وهب الجهنی ذکر نشده‌اند. درباره زید نیز توثیق خاصی در کتب رجال نیست. برقی وی را در شمار اصحاب یمنی امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کند (برقی، ۱۴۱۹: ۳۸) و ابن داوود در معرفی او می‌گوید: از اصحاب خاص آن حضرت است (حلی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

اما از نظر محتوا و دلالت مشکلی ندارد. تعبیر «رجل» به قرینه سایر مطالب مطرح شده در روایت بر امام زمان علیه السلام حمل می‌شود و منظور از عبارت «ما بین الخافقین»، بین مشرق تا مغرب است که همه کره خاکی را دربر می‌گیرد.

در روایت دیگری مدت حکومت به گونه‌ی تردید، بین سی سال و چهل سال نقل شده است:

عن علی علیه السلام: یلی المهدي أمر الناس ثلاثین أو أربعین سنة؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۵۹۱، ح ۳۹۶۷۶ عن نعیم بن حماد)
از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که مهدی علیه السلام سی سال یا چهل سال، امارت بر مردم را عهده‌دار می‌شود.

این روایت، سند خوبی ندارد و مشخص نیست لفظ «عمن حدثه» در سند به چه کسی اشاره می‌کند.^۱

عبدالعظیم بستوی نیز این روایت را نقل کرده و دو اشکال به آن می‌گیرد:

نخست این که سند حدیث ضعیف است و دیگر این که با روایات هفت سال سازگار نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۱۴۲).

۱. نعیم بن حماد حدثنا عبدالله بن مروان عن الهیثم بن عبدالرحمن عن حماد عن علی علیه السلام قال: ...

درباره دلالت روایات تردید در روایات دسته الف گفتیم که تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم علیه السلام برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است؛ مثلاً وقتی می‌فرماید سی یا چهل سال حکومت می‌کند، یعنی کم‌تر از سی سال و بیشتر از چهل سال نخواهد بود.

۵. هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال

در برخی روایات، مدتی برای حکومت آن حضرت ذکر شده و آن مدت را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند که نیازمند توضیح است:

روایت یکم

رَوَى عَبْدُ الْكَرِيمِ الْحُثَمِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْآيَامُ وَاللَّيَالَى حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ يَسُومُ لَكُمْ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ: (مفید، ۱۴۱۴: ۲، ۳۸۱؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱-۲ - ۱۱۳۲ مرسلان ابنی عبدالله علیه السلام؛ قتال نیشابوری، بی‌تا؛ ۲ مرسلان الصادق علیه السلام؛ اربلی، بی‌تا؛ ج ۳، ۲۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۰ با اندکی اختلاف در متن مرسله)

عبدالکریم خثعمی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام قائم علیه السلام چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود: هفت سال، و روزها برای آن حضرت طولانی می‌شود به طوری که هر سال از سال‌های زمان او برابری سال از سال‌های شماست، و از این رو سال‌های حکومت او معادل هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود.

سند روایت ضعیف است.^۱ دلالت روایت نیز در پایان همین بخش توضیح داده خواهد شد. از عبدالکریم خثعمی همین روایت با عبارتی دیگر بیان شده است:

عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْحُثَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ: (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۴، ج ۴۹۷)
از عبدالکریم بن عمرو خثعمی روایت شده که گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: قائم علیه السلام چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود: هفت سال که به حساب سال شما هفتاد سال می‌شود.

سند این روایت نیز ضعیف است^۱ و دلالت روایت نیز در پایان همین بخش بررسی

۱. زیرا نجاشی درباره عبدالکریم گفته: او واقعی مذهب است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۴۵). بر فرض این که این تعبیر باعث ضعف وی نشود، در سند روایت ارسال هست و به خاطر ارسال ضعیف خواهد بود؛ چون شیخ مفید به عبدالکریم خثعمی حداقل سه واسطه می‌خواهد و این واسطه‌ها در سند نیست.

خواهد شد.

روایت دوم

رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ... لَا يَثْرُكُ يَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَتَفْتِيحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصَّيْنِ وَجِبَالِ الدَّيْلَمِ فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرَ سِنِينَ مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ تَطُولُ السِّنُونَ؟ قَالَ: يَا مُرَّاهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِدَلِكِ وَالسِّنُونَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ الرِّثَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ عليه السلام وَرَدَّ الشَّمْسُ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنُ نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (مفيد، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۱؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۵)

ابوبصیر ضمن حدیثی طولانی از امام پنجم روایت کرده که فرمود: چون قائم عليه السلام ظهور کند ... هر بدعتی را از میان ببرد و هر سنت و دستور خدایی را اجرا کند و شهر قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم، همه را فتح می‌کند و هفت سال - که هر سالی برابر ده سال شماسست - در زمین می‌ماند. سپس هر چه خدا خواهد. ابوبصیر می‌گوید: گفتیم: قربانت شوم! چگونه سال‌ها طولانی می‌شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می‌فرماید تا کند شود و روز و سال طولانی می‌شوند. گفتیم: آن‌ها می‌گویند: اگر فلک دگرگون شود تباه می‌گردد؟ فرمود: این گفته زندیقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خدا ماه را برای پیغمبرش صلی الله علیه و آله شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگردانید، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد.

این روایت سند خوبی ندارد و مرسله است؛ زیرا شیخ مفید سند خود به ابوبصیر را ذکر نکرده است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ... فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ سَنَةً مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. قِيلَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ يَطُولُ السِّنُونَ؟ قَالَ: يَا مُرَّاهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِدَلِكِ وَالسِّنُونَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الرِّثَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله وَرَدَّ الشَّمْسُ

۱. عنه (فضل بن شاذان) عن عبد الله بن قاسم الحضرمي (ضعيف، غالي، كذاب - نجاشي ۱۴۱۶: ۲۲۶) عن عبد الكريم بن عمر الخثعمي (ضعيف، واقفي - همو: ۲۴۵).

مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (فتال

نیشابوری، بی تا: ۲۶۴)

امام پنجم ضمن حدیثی طولانی فرمود: چون قائم علیه السلام ظهور کند ... هفت سال - که هر سال برابر بیست سال شماسست - در زمین می ماند، سپس هر چه خدا خواهد. به ایشان گفته شد: قربانت شوم! چگونه سال ها طولانی می شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می فرماید تا کند شود، و روز و سال طولانی شوند. [راوی] می گوید: گفتیم: آن ها می گویند: اگر فلک دگرگون شود تباه می گردد. فرمود: این گفته زندیقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خداوند ماه را برای پیغمبرش شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد.

ظاهراً این همان روایت /رشاد است؛ زیرا مروی عنه (معصوم) یکی است و متن نیز یکی است و احتمالاً اشتباه نسخ (تصحیف) بوده و به جای عشر، عشرين ثبت شده است. در این کتاب نیز روایت فوق، سند ندارد.

درباره دلالت این دسته از روایات باید گفت که روایات صریح در مدت زمان حکومت است، اما در این که چگونه هفت سال، هفتاد سال یا بیشتر به طول می انجامد ابهام وجود دارد و همین ابهام باعث شده که برخی محققان این روایات را نپذیرفته و آن را مخالف قوانین حاکم بر دنیا بدانند و بگویند این روایات رمزگونه اند (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۹ - ۱۵۰). در متن روایت نیز راوی از کلام امام تعجب می کند و می پرسد: چگونه یک سال ده برابر طول می کشد؟ حضرت بیان می فرماید که به امر خداوند گردش فلک کند می شود؛ باز ابهام راوی باقی است و دوباره می پرسد: این ها (ظاهراً منظور ستاره شناسان و طبیعت گراها) می گویند: اگر در حرکت فلک تغییری حاصل شود فاسد شده و از بین می رود. امام می فرماید: این کلام آنان است، اما مسلمانان نمی توانند چنین چیزی بگویند؛ چون نمونه هایی مثل شق القمر و رد الشمس را باور دارند و خداوند نیز از طولانی شدن هزار ساله روز قیامت خبر داده است.

در برخورد اولیه با این روایت، این توهم به وجود می آید - همان طور که برای راوی پیش آمد - که طولانی شدن زمان در حد ده یا بیست برابر غیرعادی است و باعث برهم خوردن نظام هستی می شود؛ در حالی که این گونه نیست. ما نمونه روشن آن را هر ساله در دو قطب زمین مشاهده می کنیم و می بینیم که طول شب و روز ۱۸۰ برابر شده و هر کدام شش ماه به

طول می‌انجامد.

اما این که چگونه در همه کره زمین این اتفاق ممکن است و روایت نیز به آن تصریح می‌کند، باید گفت در شاخه‌ای از علم نجوم (اختر فیزیک)^۱ توضیح داده شده که بر اثر جاذبه ماه، حرکت زمین به دور خود و به دور خورشید رو به کندی است؛ به طوری که طول روز با آهنگ قابل اندازه‌گیری $0.002s$ در هر قرن افزایش می‌یابد. در این صورت قانون سوم کپلر ایجاب می‌کند که طول هر ماه بیشتر گردد. در آینده‌ای دور، روز و ماه یکی خواهند شد و هر دو تقریباً پنجاه برابر روز فعلی می‌شوند (گرگوری، ۱۳۸۷؛ ج ۱، ۱۸۴-۱۸۵).

بنابر این نظریه اگر حرکت چرخشی زمین (حرکت وضعی) به هر دلیل کند شود، این عامل سبب طولانی شدن شب و روز خواهد شد و این «دیرش» با تأخیر در فصول همراه است و به دنبال آن سال نیز طولانی خواهد شد. بنابراین نظریه روایات «تطول له الايام قابل توجیه خواهد بود.

شاید به ذهن کسی خطور کند که این حالت باعث تغییر در مدارگردشی کرات می‌شود و اگر مدار سیارات تغییر کند همه چیز به هم می‌ریزد و نظم آسمان‌ها و زمین پابرجا نخواهد بود. در پاسخ این سؤال می‌توان گفت این دیرش تنها در مدارگردشی زمین رخ می‌دهد، نه در گردش کل سیارات و در نظریه دیرش نیز بیان شده که این حالت در گردش سایر کرات تأثیر خاصی نخواهد گذاشت و تنها طولانی شدن شب و روز است. این امر سبب نابودی اهل زمین نیز نمی‌شود، چنان‌که در قطبین زمین، با این که شب و روز شش ماه طول می‌کشد، زندگی طبیعی جریان دارد. طبق محاسبه، طول روز و شب در قطبین، صد و هشتاد برابر می‌شود؛ اما در بیان این روایات، تنها طول شب و روز ده یا بیست برابر خواهد شد.

برخی نیز در توجیه این روایات گفته‌اند: مراد از طولانی شدن سال‌ها (سنین غیر معمولی) به دلیل سختی آن ایام است؛ یعنی هر چه روزگار سخت‌تر باشد، گذر آن طولانی‌تر به نظر می‌آید و برای نظریه خود این دو روایت را به عنوان شاهد ذکر می‌کنند:

لَوْ قَدْ خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۹۶، باب ۱۵، ح ۵)

اگر قائم خروج کند، جز خون بسته شده بر پیشانی و عرق چیزی نخواهد بود.

مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ (همو: ۲۳۹، باب ۱۳، ح ۲۰ و ۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۰،

۱. علم اختر فیزیک، شاخه‌ای از علم نجوم است که درباره حرکت و مدارات ستارگان و سیارات گفت‌وگو می‌کند.

ح ۴۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۳: ۲۸۲)

آن نیست، مگر شمشیر و مرگ در سایه شمشیر.

به نظر می‌رسد این تحلیل مناسبی نباشد؛ چون هرچند در ابتدا شیعیان آن حضرت بر اثر رویارویی با جبهه کفر و نفاق، باید سختی‌های بسیاری متحمل شوند، اما سرانجام آنان آسایش و راحتی است و سختی دائمی تنها برای مخالفان و دشمنان آن حضرت خواهد بود. برخی از محققان به دلیل مشابهت این روایات با قول مشهور بین اهل سنت - که حکومت هفت ساله بود - این‌ها را ترجیح داده‌اند (طبسی نجفی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۲۵).

۶. هشتاد سال

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ» (ابراهیم: ۴۴) می‌فرماید:

هو ظهور قائمنا المغيب لأنه عذاب على الكافرين وشفاء ورحمة للمؤمنين يظهروله من العمر أربعون عاماً فيمكث في قومه ثمانين سنة ...؛ (بیزدی حائری، بی‌تا: ج ۲، ۲۰۱ نقله فی ذیل خطبة تنجية)

این روز، روز ظهور قائم غایب ماست. چون ظهور او عذاب برای کفار و رحمت برای مؤمنان است. [او] در حالت چهل ساله ظاهر می‌شود و در بین قومش هشتاد سال زندگی می‌کند.

این روایت بنابر منابع اهل سنت و همچنین طبق منابع شیعه، سند ندارد و قابل اعتماد نیست، ولی دلالت آن خوب است و مدت زندگی حضرت را بیان می‌کند که شامل مدت حکومت آن حضرت نیز می‌شود.

۷. نوزده سال، معادل صد و نود سال

وقد روى أن مدة دولة القائم عليه السلام تسع عشرة سنة تطول أيامها وشهورها على ما قدمناه وهذا أمر مغيب عنا وإنما ألقى إلينا منه ما يفعله الله جل اسمه بشرط يعلمه من المصالح المعلومة له جل اسمه؛ (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۶ - ۳۸۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۳؛ اربلی، بی‌تا: ج ۳، ۲۶۶)

و روایت شده که مدت دولت قائم علیه السلام نوزده سال است که روزها و ماه‌های آن طولانی شود، به همان صورت که گفته شد و این امر بر ما پوشیده است؛ و تنها چیزی را که خداوند اگر مصلحت بداند انجام می‌دهد به ما گفته شده است.

این روایت را شیخ مفید به صورت مرسله آورده و سندی برای آن بیان نکرده و ظاهراً دیگران نیز از ایشان نقل نموده‌اند.

روایت به طولانی شدن روزها و ماه‌ها در این حکومت نوزده ساله تصریح می‌کند، در حالی که در روایات پیشین تنها درباره هفت سال، این حالت بیان شده بود. بنابراین، به درازا کشیدن روزها و ماه‌ها، اگر به صورت طولانی شدن هر یک سال به ده سال باشد^۱ حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه صد و نود سال به طول خواهد انجامید.

۸. سیصد و نه سال

روایت یکم

جابر عن ابی جعفر علیه السلام: **يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةَ سَنَةٍ وَيَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ ...**؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ج ۳۹۰، باب ۲۷، ح ۲۱۲ به نقل از کتاب الغیبة السید علی بن عبد الحمید)

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.

سند روایت مرفوعه است و قابل اعتماد نیست؛^۲ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

روایت دوم

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام: **إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثَةَ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ**؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۴، ح ۴۹۶؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۵۵، ح ۳۹/۴۳۵ با اندکی تفاوت)
ابی الجارود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.

سند روایت ضعیف است،^۳ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

۱. توضیح درباره امکان و چگونگی طولانی شدن شب و روز و ماه و سال، در بخش بیان روایت هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال، گذشت.

۲. و باسناده (فضل بن شاذان یا علی بن عبد الحمید) رفعه (مرفوعه) الی جابر عن ابی جعفر علیه السلام (هم مرفوعه است و هم خود سید علی بن عبد الحمید توثیق نشده است).

۳. سند شیخ طوسی: و عنه (فضل بن شاذان - در تمامی اسناد شیخ طوسی در کتاب *الغیبة* به فضل بن شاذان، شخصی به نام علی بن محمد بن قتیبة وجود دارد که از نظر وثاقت مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست - خویی، ۱۴۱۰: ۱۲، ۱۶۰) عن علی بن عبدالله (مشترک - مجهول) عن عبدالله بن ابی عبدالله عن ابی الجارود (زیاد بن منذر - ضعیف) (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۷؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۲۹ - ۲۳۰).

سند *دلائل الامامة*: اخبرنی (طبری شیعی) ابوالحسن محمد بن هارون بن موسی (توثیق نشده) عن ابیه عن ابی علی محمد بن همام عن ابی عبدالله جعفر بن محمد (الحمیری) قال: حدثنا محمد بن حمران المدائنی (النهدی) عن علی ابی اسباط (مختلف فیه وثقة - نجاشی ۱۴۱۶: ۲۵۳)، عن الحسن بن شبیر (مجهول) عن ابی الجارود

روایت سوم

ذكر في الكتاب المشار إليه خطبة لأمر المؤمنين عليه السلام تسمى المخزون وهي: ... فيمكث فيما بين خروجه إلى يوم موته ثلاثمائة سنة و نيف (نيفا)؛ (حلی، ۱۳۷۰: ۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۷۷ - ۸۶)

در این کتاب خطبه‌ای برای مولا امیرالمؤمنین ذکر کرده به نام المخزون و آن خطبه این است: ... سپس سیصد سال و اندی از وقت خروجش تا روز مرگش باقی می‌ماند (زندگی می‌کند).

این روایت نیز از جهت سند دارای اشکال است،^۱ ولی دلالت آن کامل است و تصریح دارد که از زمان ظهور امام علیه السلام تا زمان وفات آن حضرت این مقدار زمان می‌گذرد.

نتیجه‌گیری نهایی در بررسی سند روایات و جمع بین آن‌ها

روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را به دو دسته کلی تقسیم کردیم:

۱. روایات زیرده سال که بیشتر در منابع اهل سنت به چشم می‌خورند؛
 ۲. روایات بالای ده سال که بیشتر در منابع شیعه آمده‌اند (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۳-۴۳۴).
- در روایات مربوط به حکومت آن حضرت، تعارض از هفت تا ۳۰۹ سال وجود دارد و از نظر سند تنها روایت ۱۹ سال، قابل اعتماد بود و نقل‌های دیگر از جهت سند، پذیرفتنی نیستند.
- البته شیخ مفید درباره روایات هفت سال می‌گوید: «این‌ها بیشتر و مشهورترند» (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۷). برخی نیز به سبب همین شهرت آن‌ها را مقدم کرده‌اند (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ص ۱۵۰ - ۱۵۱؛ صدر، ۱۴۲۵: ۴۳۸).
- اما با جست‌وجوی انجام شده دریافتیم چنین شهرتی تنها بین اهل سنت است و نزد

(ضعیف) (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۷؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۲۹ - ۲۳۰).

۱. در سند روایت چند ایراد است:

«وقفت علی کتاب خطب لمولانا أمير المؤمنين عليه السلام و عليه خط السيد رضی الدین علی بن موسی بن طاوس ما صورته: هذا الكتاب ذكر كاتبه رجلين بعد الصادق عليه السلام فيمكن أن يكون تاريخ كتابته بعد المائتين من الهجرة لأنه عليه السلام انتقل بعد سنة مائة وأربعين من الهجرة و قد روى بعض ما فيه عن أبي روح فرج بن فروة عن مسعدة بن صدقة عن جعفر بن محمد و بعض ما فيه عن غيرهما...»

(الف) وجادة است و سند حلی به فرج متصل نیست و چنین کتابی را حلی دیده است.

(ب) فرج بن فروة توثیق ندارد و همچنین درباره مسعدة اختلاف است؛ زیرا ابن داوود او را از ضعفاء شمرده (حلی، ۱۳۹۲: ۵۱۵) و شیخ او را از روات عامه به شمار آورده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۶). آیت‌الله خویی نیز به سبب قرائن عامه او را توثیق کرده است (خویی، ۱۴۱۰: ۱۸، ج ۱۳۵ - ۱۳۹).

شیعیان، روایات و طرفداران چندانی ندارد و با در نظر داشتن این نکته که در زمان شیخ مفید جامعه علمی شیعه و اهل سنت به صورت امروزی از هم تفکیک نشده بود، احتمال دارد کلام شیخ مفید ناظر بر شهرت بین عامه باشد.

بیان تحلیل‌ها و نقد و ابرام

جدا از بحث سندی و بر فرض این که از جهت سندی هیچ روایتی را مقدم نکنیم و بگوییم همه مساوی هستند، برای توجیه اختلاف اخبار و حل تعارض بین آن‌ها راه‌ها و تحلیل‌هایی بیان شده است:

تحلیل یکم

دانستن مدت عمر یا حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چندان امر مهمی نبوده و لذا معصومین عجل الله تعالی فرجه برای تعیین دقیق آن انگیزه‌ای نداشته‌اند (خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۷۱). پاسخ: اختلاف اخبار با این کلام قابل توجیه نیست؛ زیرا بیان‌های متفاوت با این گستردگی، به سبب نداشتن انگیزه تعیین دقیق، نوعی اغراء به جهل و مردم را در نادانی رها کردن، به شمار می‌آید که از شأن آن بزرگواران به دور است.

تحلیل دوم

اختلاف اخبار بدین سبب بوده که معصومین عجل الله تعالی فرجه به عمد نمی‌خواستند مدت دقیق حکومت را بیان فرمایند تا این که مورد سوء استفاده مدعیان قرار نگیرد، چنان که فرقه ضالّه بهاییت مدت ادعای سیّد باب را - که شش سال بوده - بر این مدت تطبیق کرده‌اند، با این که روایت شش سال نداشتیم. از این رو روایات با هم متفاوتند (صافی، ۱۴۱۹: ۶۱۸؛ صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۲؛ دوانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴۱، پاورقی).

پاسخ: این تحلیل نیز دقیق نیست؛ چون اگر نمی‌خواستند، بیان نمی‌فرمودند، نه این که به صورت مختلف بفرمایند؛ مگر با این توجیه که به کار بردن تعبیر گوناگون یک روش مخفی کاری است و معصومین عجل الله تعالی فرجه از این روش استفاده کرده‌اند.

تحلیل سوم

ائمه عجل الله تعالی فرجه به دلیل شرایط تقیه، طبق اخبار عامه سال‌های متفاوتی را بیان می‌فرموده‌اند (خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۷۱).

پاسخ: تقیّه در این‌گونه موارد (اخبار غیبی از آینده) معنایی ندارد و بر فرض وجود انگیزه تقیّه، این تحلیل تنها درباره روایات زیر ده سال که مطابق قول اهل سنت است، قابل توجیه است.

تحلیل چهارم

روایاتی که مدت کمی را برای حکومت حضرت بیان کرده‌اند مانند روایات پنج، هفت یا نه سال، بر دوره‌های حکومتی حمل شوند؛ یعنی حکومت حضرت از ابتدا تا انتها به دوره‌های هفت‌گانه تقسیم می‌شود و روایاتی که سال‌های بیشتری بیان کرده‌اند، بر تمام مدت حکومت حمل می‌شوند؛ مثل روایات هفتاد، صد و بیست و سیصد و نه سال (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱۴؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۵۲۷).

پاسخ: اگرچه روایاتی که با اشاره، مدتی را برای حکومت امام مهدی علیه السلام بیان فرموده‌اند می‌توانند شاهد خوبی برای این تحلیل باشند (یعیش هکذا اومی بیده سبع أو تسع (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۰؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۱۰-۱۱۱)؛ اما این تحلیل، با روایاتی که به لفظ سنین یا سنة تصریح دارند، سازگار نیست.

تحلیل پنجم

اختلاف اخبار ممکن است اشاره به ظهور و قوّت حکومت آن حضرت باشد و آغاز شکل گرفتن و پیاپی شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی‌اش بیش از سیصد سال باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰، ذیل ح ۶؛ هیتمی، ۱۴۲۸: ۴۱؛ سفارینی حنبلی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۸۳).

پاسخ: این وجه به وجه جمع پیشین نزدیک است و جمع خوبی است، اما برای آن شاهد جمعی از روایات پیدا نشد.

البته اگر این تحلیل به این معنا باشد که در سال‌های کم حکومت حضرت کامل نیست و نقص دارد تحلیل درستی نخواهد بود؛ برای مثال، تا ۳۵ سال حکومت ناقص است و در چهل سال به کمال می‌رسد (صفارنجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۵۲).

تحلیل ششم

روایات می‌توانند به دو مرحله از حکومت اشاره داشته باشند:
مرحله اول: مدت حیات خود حضرت که کوتاه است و روایات مدت کوتاه بر این دوره

حمل می‌شوند.

مرحله دوم: مدت حکومت عدل جهانی که پس از حیات حضرت ادامه دارد و روایات مدت طولانی بر این دوره حمل می‌شوند (همو: ۱۴۹؛ شوکی، ۱۴۲۹: ۲۴۷؛ امینی گلستانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۷۲؛ رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۵۴).

پاسخ: اگرچه در نتیجه گیری پایانی برای دفع شبهه، این نظریه با قرائنی تقویت می‌شود، اما برای توجیه اختلاف اخبار پذیرفتنی نیست؛ زیرا با روایات «مدّة ملکه»، «مدّة حیات» و «یعیش» که ضمائر در آن‌ها به شخص امام مهدی (عج) برمی‌گردد، ناسازگار است.

تحلیل هفتم

عدد کم از اخبار بر سنین غیر معمولی (طولانی شدن سال‌ها)، و عدد زیاد بر سنین معمولی حمل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰، ذیل ح ۶) و روایاتی که هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال را بیان می‌کنند شاهد این وجه جمع‌اند.

پاسخ: اگرچه این تحلیل می‌تواند جمع‌بندی خوبی در برخی از روایات باشد، اما در همه آن‌ها پذیرفتنی نیست.

نتیجه

در بررسی سندی روایات، تنها روایت ۱۹ سال سند خوبی داشت؛ در بیان تحلیل‌ها تحلیلی که بتواند تمامی جوانب اختلاف روایات را توجیه کند، ارائه نشده است.

اما برای پاسخ‌گویی به این شبهه که اگر حکومت امام زمان (عج) کمتر از ده سال یا حتی بیست سال است این همه انتظار، زمینه‌سازی و روایات مزده ظهور برای چیست و آیا این مدت اندک ارزش این همه مقدمه‌چینی و ... را دارد؟ ابتدا بیان دو نکته لازم است:

۱. حکومت امام مهدی (عج) باید مدتی استمرار یابد و باقی باشد که در آن مدت، پایه‌های این حکومت مستحکم شده و قابلیت بقا تا روز قیامت را داشته باشد (صافی، ۱۴۱۹: ۶۱۸ به نقل از *القول المختصر* ابن حجر؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ صفارنجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۴ - ۱۴۵)

۲. اعتقادات و اخلاقیات جامعه اسلامی تغییرات بسیاری کرده و تصحیح این انحرافات به حکومتی چندین ساله نیاز دارد. حکومت مهدوی تنها کشورگشایی نیست، بلکه تربیت مردم کشورها از اولویت‌های برنامه حکومتی آن حضرت خواهد بود که هم طولانی‌تر و هم مشکل‌تر از

سیطره بر خود کشورهاست (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۲).

با توجه به این دو نکته و طبق قواعد عامه، مدت مناسب و نتیجه دهنده برای حکومت آن حضرت لازم است و شاید بر همین اساس برخی محققان، روایات مدت طولانی را ترجیح می‌دهند. اما در این که این مدت چند سال است، چیزی از قواعد عامه استفاده نمی‌شود (همو؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۴-۱۴۵؛ رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۵).

پاسخ این سؤال با تقسیم آن به دو پرسش بهتر فهمیده می‌شود:

۱. امام مهدی علیه السلام (شخص مهدی موعود علیه السلام) چه مقدار حکومت می‌کند؟

۲. حکومت الهی (نظام مهدوی) چقدر باقی می‌ماند؟ (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۱؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۳)

بر فرض این که از روایات نتیجه بگیریم حکومت امام مهدی علیه السلام کمتر از بیست سال به طول می‌انجامد، اما حکومت عدل الهی - که وعده تخلف‌ناپذیر خداوند به بشر است - تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۵۳) و حاکم این حکومت، پس از امام زمان علیه السلام صالحان (بر اساس اعتقاد به رجعت، امامان معصوم علیهم السلام) خواهند بود (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۱؛ شوکی، ۱۴۲۹: ۲۴۹).

روایت امام صادق علیه السلام که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را تا قیامت بیان می‌فرماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۳۴، باب ۲۵، ح ۱)،^۱ روایت معراج که خداوند تبارک و تعالی فرموده حتماً او (امام مهدی علیه السلام) را با لشکریانم یاری می‌رسانم ... و سپس به ملک او دوام می‌دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۶، باب ۲۳، ح ۴)^۲ و روایات جانشینان امام مهدی علیه السلام (عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ۳۲۶، ح ۲۴؛ کورانی، ۱۴۱۱: ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۱۲۹)^۳ برای این جمع‌بندی

۱. عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل ابن عمر قال: سألت سیدی الصادق علیه السلام... قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ... وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا ففِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود: ۱۰۸) وَالْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيْ عَطَاءٌ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَ حُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَمْرٌ لَا يَنْظِلُّ إِلَّا بِاخْتِيارِ اللَّهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ إِرَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ مَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حكاية عن الله في معارجه و لانصرته بجندی و لامتته بملانكتي حتى يعلن دعوتي و يجمع الخلق على توحيدى ثم لاديمن ملكه و لادولن الأيام بين أوليائى إلى يوم القيامة.

۳. و الله ليملكنَّ رجل منا اهل البيت الأرض بعد موته ثلاثمائة سنة و يزداد تسعاً

قابل استفاده است.

بنابراین دانستن مقدار عمر یا مدت حکومت شخص آن حضرت در درجه دوم اهمیت است و شاید به همین دلیل، در روایات برای آن عدد دقیقی بیان نشده است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، *النهاية في غريب الحديث*، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم، مؤسسة إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، *العمدة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حبان، علی بن بلبان، *الصحيح*، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ابن حنبل، احمد، *المسند*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، *الطرائف*، قم، خیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
- _____، *الملاحم والفتن*، اصفهان، نشاط، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ابوداوود، سلیمان، *السنن*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- اربلی، ابن ابی‌الفتح، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
- الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر، *السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة و أشرطها*، تحقیق: رضاء الله بن محمد إدريس مبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- امینی گلستانی، محمد، *سیمای جهان در عصر امام زمان*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- بحرانی، سید هاشم، *غایة المرام*، تحقیق: سید علی عاشور، بی جا، بی نا، بی تا.
- بحرانی، عدنان، *حصائل الفکر فی احوال الامام المنتظر*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقي*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه قیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۱. يكون له خلف من اهل بيته.

- بستوی، عبدالعظیم، الموسوعة فی احادیث المهدی الضعیفة والموضوعة، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق - الف.
- _____، المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والاثار الصحیحة، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق - ب.
- ترمذی، ابو عیسی محمد، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی ﷺ، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بی نا، بی تا.
- حلی، حسن بن داوود، الرجال، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
- حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، المطبعة الحیدریة، چاپ اول، ۱۳۷۰ق.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر ﷺ، تحقیق: سید جواد میرشفیعی، تهران - قم، مؤسسه انتشاراتی لاهوت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴ش.
- خلیل حبه، رزق، الامام المهدی ﷺ والیوم الموعود، بیروت، دار الولاء، چاپ سوم، ۱۴۲۹ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- دوانی، علی، مهدی موعود ﷺ (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۱ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر بن حسین، المحصول، تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- سفارینی حنبلی، محمد بن احمد بن سالم، لوازم الانوار البهیة، دمشق، مؤسسه خافقین، چاپ

- دوم، ۱۴۰۲ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
 - شوکی، سید محمد، *آخر الدول*، قم، انتشارات جلال الدین، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
 - صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم، مؤسسة السيدة المعصومة علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
 - صدر، سید صدرالدین، *المهدی* علیه السلام *فی کتب الصحاح والسنن*، بیروت، دار الرافدین، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
 - صدر، سید محمد، *موسوعة الامام المهدی* علیه السلام *(تاریخ مابعد الظهور)*، قم، ذوی القربی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
 - صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *علل الشرائع*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
 - _____، *کمال الدین وتمام النعمة*، تصحیح وتعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۵ق.
 - صفار نجفی، سالم، *موسوعة الامام المهدی المنتظر* علیه السلام *من المهد الى يوم القيامة*، بیروت، دار نظیر عبود، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
 - صنعانی، عبدالرزاق، *المصنف*، بی جا، منشورات المجلس العلمی، بی تا.
 - طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، بی جا، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
 - _____، *المعجم الكبير*، قاهره، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
 - طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، تحقیق: محمد باقر الخرسان، النجف الأشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
 - طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
 - طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
 - _____، *نوادر المعجزات*، قم، مؤسسة الامام المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
 - طبسی نجفی، محمدرضا، *الشیعة والرجعة*، نجف، مطبعة الآداب، چاپ سوم، ۱۳۸۵ق.
 - طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *الرجال*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
 - _____، *الغیبة*، تحقیق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم،

- مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- _____، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة نشر الفقه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عسکری، نجم الدین جعفر بن محمد، *المهدی الموعود المنتظر* علیه السلام عند علماء اهل السنة والامامة، بیروت، دارالزهراء علیها السلام، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق و تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
- غزالی، ابی حامد محمد، *المستصفی*، تصحیح: محمد بن عبدالسلام، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۷ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضة الواعظین*، قم، منشورات شریف الرضی، بی تا.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، *السنن*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، *بنایع المودة لذوی القربی*، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- کورانی، علی، *معجم احادیث الامام المهدی* علیه السلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- کوفی، ابن ابی شیبہ، *المصنف*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- گرگوری، زیلیک، *نجوم واخترفیزیک مقدماتی*، ترجمه: جمشید قنبری، مشهد، نشر دانشگاه امام رضا علیه السلام، ویرایش چهارم، ۱۳۸۷ش.
- ماحوزی، ابوالحسن سلیمان بن عبدالله، *کتاب الأربعین*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، نشر امیر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- مالکی مکی (ابن صباغ)، علی بن محمد بن احمد، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق: سامی الغریزی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- مبارکفوری، صفی الرحمن، *تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، تحقیق و ضبط و تفسیر: بکری حیانی، تصحیح و فهرسة: صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مروزی، نعیم بن حمّاد، الفتن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: دکتر عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، مكتبة عالم الفكر، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ش.
- موصلی، ابویعلی، المسند، دمشق، دار المأمون للتراث، چاپ دوم، بی تا.
- نجاشی، احمد بن علی، الرجال، قم، جامعه مدرّسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تحقیق: فارس حسّون، قم، مهر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- واسطی بغدادی (ابن غضائری)، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق: سید محمدرضا جلالی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- هیتمی، شهاب الدین احمد بن حجر، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تحقیق: رشاد الخطیب، دمشق، دار التقوی، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- هیتمی، نور الدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
- یزدی حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب (عج)، بی جا، بی نا، بی تا.

